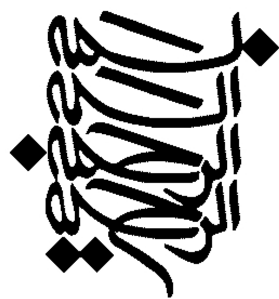


نمایش ثروت

بررسی پدیده مرگ دختر پورشه سوار

گزارش راهبردی


بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش راهبردی

نمایش ثروت؛ بررسی پدیده مرگ دختر پورشه سوار



گزارش راهبردی؛

نمایش ثروت؛ بررسی پدیده مرگ دختر پورشه سوار

کاری از: مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی
تهیه کننده: معاونت پژوهش و نشر
نوبت چاپ: اول
تاریخ چاپ: مرداد ۱۳۹۴
طراحی جلد و صفحه آرایی: قاسم رستم پور و سیدمصطفی شفیعی
ویراستار: محسن احمدی
آدرس: تهران، تهرانپارس، تقاطع بزرگراه شهید باقری و
رسالت، خیابان شهید صادقی ۱۱۳، پلاک ۱۱۲
تلفن: ۷۷۷۲۱۰۱۹
تارنما: http://tarbiateslami.com
پست الکترونیکی: research@tarbiateslami.com

پیشگفتار

مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی به عنوان یک نهاد تربیتی پیشرو، پیش‌برنده و الگو، بخشی از اتاق فکر تربیت اسلامی کشور است که با رویکرد تولید اندیشه و الگوسازی و با اولویت شجره طیبه صالحین فعالیت می‌کند و بر آن است تا با جذب افراد متعهد (مؤمنِ جهادی) و متخصص (دانشگاهی و حوزوی) و توانمندسازی و به‌کارگیری مؤثر ایشان در حوزه‌های مختلف تربیت اسلامی و ایجاد منظومه‌ای متشکل از مجموعه‌های متنوع آموزشی، پژوهشی و الگوسازی، نقش بسزایی را در تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی ایفا نموده و به بازوی فکری نظام مقدس جمهوری اسلامی در حوزه تربیت نیروی تراز انقلاب اسلامی تبدیل گردد.

پژوهش پیش رو تلاشی است در راستای تحقق اهداف این مرکز، که با همکاری پژوهشگران و صاحب‌نظران و در راستای نقشه علمی مرکز آماده و تولید شده است، از این رو مدیریت پژوهش و نشر نیز می‌کوشد تا با پشتیبانی و حمایت از پژوهشگران و فعالان حیطه‌های مرتبط در مسیر رفع نیازهای پژوهشی و کاربردی انقلابی اسلامی گام بردارد.

مدیریت پژوهش و نشر
مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

فهرست

چکیده

این گزارش شامل سه قسمت بررسی اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای واقعهٔ تصادف ماشین پورشه با درخت پیاده‌رو در تهران است که به‌سرعت به یکی از موضوعات و مباحث اجتماعی تبدیل شد. در قسمت بررسی اقتصادی، از این منظر به مسئله پرداخته شده که «پورشه سواری» نشان‌دهنده افزایش فاصله طبقاتی در ایران است. این نوع تجمل‌گرایی که در برخی از طبقات اجتماعی ظاهر شده، باعث تشدید فضای رقابتی بین طبقات، برای رسیدن به ثروت بیشتر خواهد شد. مسئله مذکور، عامل رشد مسیرهای غیرقانونی برای رسیدن به ثروت شده و یا اینکه سبب می‌شود سرمایه‌ها بیشتر به سمت مشاغل خدماتی برود تا تولیدی. از منظر سیاسی به دلیل آنکه فرد همراهِ دختر پورشه‌سوار، از نوادگان یکی از اعضای مجلس خبرگان بود، نوعی نگاه منفی به روحانیت و نظام سیاسی کشور به وجود آورد. از منظر اجتماعی، ازآنجاکه این پورشه از پسر مربی برجسته کشوری خریداری شده است، باعث می‌شود در نگاه مردم، اهمیت این مشاغل از لحاظ اقتصادی نسبت به مشاغل اصلی (همچون کشاورزی، دبیری و ...) افزایش یابد و جایگاه و اهمیت مشاغل اصلی بین استعدادهای کشور تنزل پیدا کند. در بخش تحلیل ارتباطی-رسانه‌ای، ابتدا به ویژگی‌ها و کارکردهایی از رسانه که موجب اهمیت یافتن این سوژه شده‌اند، پرداخته و سپس در ادامه، ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی درباره پوشش چنین موضوعاتی را بررسی کرده‌ایم. در این بخش به‌طور خلاصه بر کارکردهای اطلاع‌رسانی و سرگرمی در شبکه‌های اجتماعی تاکید

شده است که این مسائل موجب شده‌اند تا تصادف خودروی پورشه به‌عنوان یکی از موضوعات مهم برای مخاطبان دارای اهمیت باشد. همچنین در ادامه این قسمت، بخشی از نظرات مردم درباره راننده متوفای پورشه مورد توجه قرار گرفته است که به‌طور کلی شامل اعتراض مردم به شکاف طبقاتی و نبود عدالت اجتماعی و اعتراض به هنجارشکنی فرد متوفی و مخدوش کردن امنیت روانی جامعه بوده است.

در پایان نیز برخی از راهکارهای پیشنهادی برای مواجهه با موارد مشابه ارائه شده که مهم‌ترین سرفصل این راهکارها ایجاد امکان‌های مدیریت شده و محدود برای تفریح اقشار پردرآمد جامعه در چارچوب ضوابط شرعی و قانونی است.

مقدمه

در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۴، خبری در شبکه‌های اجتماعی، به‌مرور به یکی از موضوعات اصلی بحث روز تبدیل شد. این خبر متعلق به‌تصادف ماشین پورشه با درخت پیاده‌رویی در تهران بود. در ابتدا شایع شد که این پورشه متعلق به یکی از مجریان مشهور بوده است و حرف‌ها و حدیث‌هایی را به دنبال داشت؛ اما پس از مدت کوتاهی این شایعه جایگاه خود را به شایعه دیگری داد که پورشه مذکور متعلق به پسر یکی از مربیان مشهور کشور است. پس از مصاحبه رسانه‌ها با پسر این مربی، مشخص شد که ماشین پورشه موردنظر، مدتی قبل از این اتفاق، توسط یکی از دوستان پسرِ مربی خریداری شده است. پس از مدتی بحث‌هایی در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت که نقاط اصلی آن متمرکز بر مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود. مردمی که دارای توانایی مالی اندک و یا متوسط بودند، به این مسئله پرداختند که چرا فاصله طبقاتی اینقدر زیاد شده است؛ که افرادی در جامعه با ماشین‌هایی با قیمت‌های گزاف در خیابان با سرعت بالا مانور می‌دهند، درصورتی‌که عموم مردم برای برطرف کردن مایحتاج خود با مشکل مواجه هستند. در مقابل عده‌ای هم به این مسئله پرداختند که ثروت و دارایی همیشه با نگاه منفی نباید مواجه شود و افراد دارای ثروت زیاد با توانایی خود به این جایگاه رسیده‌اند. اما به‌مرور موضوع دیگر ذهن مخاطبین را به خود مشغول کرد و آن به سرنشینان پورشه مربوط می‌شد. یکی از سرنشینان این پورشه، از نوادگان یکی از اعضای مجلس خبرگان بود. این مسئله نوعی حساسیت اجتماعی را نسبت به

قشر روحانیت ایجاد کرد و نگاه به ساده‌زیستی مسئولین را با ابهام مواجه کرد. در ادامه به‌صورت تحلیلی به ابعاد موردنظر پرداخته خواهد شد.



۱- بررسی اتفاق تصادف دختر پورشه‌سوار از منظر اقتصادی-اجتماعی

آنچه از نظر اقتصادی می‌توان در مورد واقعه دختر پورشه‌سوار در تهران و واکنش‌های مردمی پس از آن اشاره کرد، تمرکز بر نوع ماشین تصادف کرده است. همانطور که می‌دانید ماشین از منظر نیازها، از جمله وسایل مصرفی به‌حساب می‌آید. وسایل مصرفی در مقابل وسایل و کالاهای ضروری تعریف می‌شوند. کالاهای ضروری از نیازهای اولیه (آب، غذا و پوشاک) نشأت می‌گیرند که بدون آن‌ها، زندگی امکان‌پذیر نیست؛ اما کالاهای مصرفی، نیازهای ثانویه را شامل می‌شوند که بیشتر جنبه رفاهی را پوشش می‌دهند و در نبود آن‌ها اشکال چندانی برای ادامه زندگی به وجود نمی‌آید. بنابراین در زندگی معمولی، پس از برآورده کردن نیازهای ضروری، انسان‌ها به سمت پس‌انداز و خرید کالاهای رفاهی برای راحتی بیشتر حرکت می‌کنند. از این‌رو هر آنچه خانواده‌ها از لحاظ اقتصادی متمول باشند، بیشتر می‌توانند به سمت کالاهای رفاهی و مصرفی حرکت کنند.

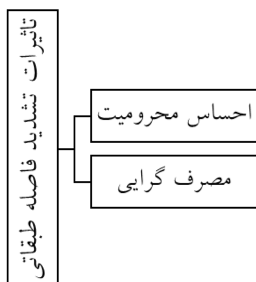
با توجه به مقدمه بیان شده، اگر در مورد رویداد اتفاق افتاده از این منظر نگاه شود، اینگونه می‌توان مسئله را صورت‌بندی کرد که در جامعه ایران خانواده‌هایی وجود دارند که از منظر اقتصادی چنان متمول هستند که می‌توانند در خرید تنها یک کالاهای مصرفی یعنی ماشین، به سمت گران‌قیمت‌ترین آن‌ها حرکت کنند. قیمت ارزان‌ترین پورشه در کشور ایران حدود یک میلیارد تومان است که اگر با درآمد سالانه ۲۰ میلیونی خانوار شهری و ۱۲ میلیونی خانوار

روستایی مقایسه شود[1]، ۴۶ برابر درآمد خانوار شهری و حدود ۷۸ برابر درآمد سالانه یک خانوار روستایی در کشور به‌حساب می‌آید. این بدین معناست که یک خانوار شهری اگر ۴۶ سال و یک خانوار روستایی ۷۸ سال پس‌انداز کنند و هیچ مصرفی نداشته باشند، می‌توانند کالای مصرفی و غیرضروری‌ای همچون ماشین پورشه را تهیه کنند.

درآمد / نوع ماشین	درآمد متوسط سالانه خانوار شهری (۲۰۴۴۱۰۰۷ تومان)		درآمد متوسط سالانه خانوار روستایی (۱۲۰۹۹۵۲۷ تومان)	
	قیمت ماشین	نسبت درآمد سالانه خانوار شهری با قیمت ماشین	قیمت ماشین	نسبت درآمد سالانه خانوار روستایی با قیمت ماشین
پورشه کائن ۵ سیلندر	۹۵۰ میلیون	حدود ۴۶ برابر	۹۵۰ میلیون	حدود ۷۸ برابر
پورشه کایل ۸ سیلندر	۱۳۰۰ میلیون	حدود ۶۳ برابر	۱۳۰۰ میلیون	حدود ۱۰۷ برابر
پورشه پانامرا	۱۷۰۰ میلیون	حدود ۸۳ برابر	۱۷۰۰ میلیون	حدود ۱۴۰ برابر

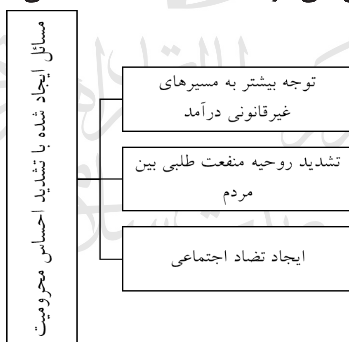
از آمارهای بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که فاصله طبقاتی ایران، بین طبقه متوسط و طبقه ثروتمند آنقدر زیاد شده است که امکان کاهش آن غیر قابل‌تصور است. باید توجه داشت که تفاوت مذکور بین طبقه متوسط و ثروتمند است و نگارنده، طبقه با درآمد کمتر از متوسط (یعنی درآمد کمتر از ۲۰ میلیون تومان در سال برای مناطق شهرنشین و کمتر از ۱۲ میلیون تومان در سال برای مناطق روستانشین) را در محاسبات نیاورده است. کاملاً واضح است که تمایز اقتصادی طبقات پایین‌تر از متوسط با ثروتمندان بسیار بیشتر است. فاصله طبقاتی مذکور در جامعه چندین پیامد دارد:

1- http://lib.sci.org.ir/Diglib/WebUI/Login.aspx



۱-۱- احساس محرومیت

هنگامی که طبقاتی از اجتماع، خود را متمایز از طبقه‌ای خاص ببینند که توانایی رسیدن به آن‌ها را ندارند، اگرچه ممکن است بتوانند نیازهای ضروری خود را برآورده کنند، اما در قیاس با طبقه بالاتر همیشه احساس کمبود و نیاز می‌کنند. این نیاز روانی و نرسیدن به آن، آن‌ها را دچار احساس محرومیت می‌کند. با تشدید این تفاوت به شکلی که در این مورد خاص دیده شد، طبقات متوسط خود را در رسیدن به مطلوب اجتماعی ناتوان می‌بینند و از این‌رو دچار نوعی یاس می‌شوند. جامعه‌ای که دچار تشدید یاس و تمایز طبقاتی می‌شود، با سه مسئله اجتماعی مواجه می‌شود:



۱-۱-۱- توجه بیشتر به مسیرهای غیرقانونی درآمد

در یک رقابت شدید بین طبقات، و رسیدن طبقات پایین به طبقات بالا، آنچه مسلم است راه‌های صحیح رسیدن به ثروت، نیاز به زمان زیادی دارد. با تشدید احساس محرومیتی که بین طبقات پایین‌تر ایجاد شده است، راه‌های میان‌بر این فرصت را ایجاد می‌کنند تا آن‌ها سریع‌تر به هدف خود برسند. این مسئله باعث می‌شود، سرمایه‌ها به سمت بازارهای کاذب حرکت کنند. بازارهای کاذب به بازارهایی اشاره دارد که سرمایه به‌جای آنکه در نیازهای ضروری مردم سرمایه‌گذاری شود، در نیازهای غیرضروری اما پردرآمد سرمایه‌گذاری می‌شود؛ مانند خرید دلار، سکه و ... . از طرف دیگر رقابت بین طبقات باعث می‌شود، توجه به مسیرهای غیرقانونی و ناهنجار برای رسیدن به رشد اقتصادی پررنگ شود.

۱-۱-۲- تشدید روحیه منفعت‌طلبی بین مردم

از طرف دیگر در جامعه‌ای که طبقات آن برای رسیدن به پول بیشتر با هم رقابت می‌کنند، آنچه ارزش محسوب می‌شود، توجه به درآمد و رفاه بیشتر است. با تشدید رقابت طبقاتی و اصل قرار گرفتن مسائل اقتصادی، توجه به ارزش‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و به‌نوعی لذت‌گرایی و منفعت‌طلبی در جامعه رشد می‌کند و روحیه معنوی همچون ایثار، انفاق و ... کاهش می‌یابد.

۱-۱-۳- تضاد اجتماعی

با تشدید رقابت بین طبقات اجتماعی، اتفاق دیگری که می‌تواند در جامعه رخ دهد، ایجاد همدلی بین طبقات محروم و تقابل با طبقات ثروتمند است که با عمومیت پیدا کردن این حس بین این دو طبقه، تضاد اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. به‌طور مثال حتماً دیده‌اید که وقتی شخصی با ماشین مدل‌بالا از کنار جمعی می‌گذرد، افرادی از درون جمع می‌گویند که حتماً این‌ها از راه غیرصحیح این درآمد را کسب کرده‌اند و به شکل یک کسی که به آن‌ها ظلم کرده است و حقوق آن‌ها را ضایع کرده است به آن شخص نگاه می‌کنند. هنگامی‌که این روحیه بین تمام افراد طبقه پایین،

عمومیت پیدا کند، به‌طور خودکار تضادهای اجتماعی بین این دو طبقه افزایش پیدا می‌کند.

۱-۲- مصرف‌گرایی

از طرف دیگر آنچه اتفاق می‌افتد ایجاد رقابت بین ثروتمندان با هم و طبقات دیگر در راستای ایجاد تمایز بیشتر با یکدیگر است. تلاش برای ایجاد تمایز از لحاظ مادی و به عبارت دیگر مدگرایی بین ثروتمندان با هم و سایر طبقات با یکدیگر، باعث افزایش مصرف و توجه به کالاهای تجملاتی می‌شود. جامعه‌ای که به مصرف‌گرایی و رقابت اقتصادی وارد می‌شود، سرمایه به‌جای آنکه به سمت تولید حرکت کند به سمت بازارهای خدماتی و خرید اجناس غیرضروری و لوکس سوق داده می‌شوند. این مسئله باعث می‌شود جامعه هر روز با تولید، به‌عنوان یکی از پایه‌های توسعه فاصله بگیرد.


مرکز مطالعات راهبردی
تربیت اسلامی

۲- بررسی اتفاق تصادف دختر پورشه‌سوار از منظر سیاسی-اجتماعی

از لحاظ سیاسی-اجتماعی آنچه می‌توان در مورد اتفاق تصادف دختر پورشه‌سوار در تهران بحث کرد از دو منظر قابل‌بررسی است.

۲-۱- از منظر سیاسی

نگاه سیاسی به این پدیده را می‌توان از بررسی دوستانِ دختر پورشه‌سوار مورد توجه قرار داد. دختر پورشه‌سوار همراه نواده َیکی از اعضای مجلس خبرگان در حال تردد بود. با توجه به اینکه شخصی که همراه دختر پورشه‌سوار بوده، پسر بوده و هیچ نسبتی با این دختر نداشته و تنها دوستِ دوست‌پسر دختر است، دو نگاه به‌طور طبیعی در بین مردم شکلِ می‌گیرد. از یکسو مردم با مشاهده این مسئله که نواده یکی از خبرگان رهبری که در کسوت روحانیت است، همراه دختر بوده، به این نتیجه می‌رسند که توجه به قیودات دینی مدنظر روحانیت، حتی در بستگان اولیه خود نیز تأثیر نگذاشته است. این نوع تفکر باعث می‌شود که روحانیت در مظان اتهام قرار گیرد که احکام دینی از سوی خود ایشان مورد توجه و اجرا قرار نمی‌گیرد. بنابراین دید مثبت مردم نسبت به قیودات دینی و افراد تبلیغ‌کننده آن‌ها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر به دلیل آنکه پسر از نوادگان یکی از اعضای مجلس خبرگان است و مجلس خبرگان هم یکی از دستگاه‌های سیاسی کشور به‌حساب می‌آید، ارتباط بین خانواده مسئولین با افراد ثروتمند حساسیت اجتماعی

را تشدید می‌کند. رابطه مسئولین با قشر ثروتمند، گمان اجتماعی را به این سمت خواهد برد که این افراد از سطح اجتماع فاصله گرفته و به سمت رفاه‌زدگی حرکت کرده‌اند. این موضوع می‌تواند عاملی برای بدگمانی عمومی نسبت به‌نظام سیاسی شود.

۲-۲- بررسی این پدیده از منظر اجتماعی

از منظر اجتماعی اینگونه می‌توان به این اتفاق نگاه کرد که با توجه به آنکه دختر پورشه‌سوار، ماشین خود را از پسر یکی از برجسته‌ترین مربیان کشور خریداری نموده است، توجه جامعه به سمت درآمد این مشاغل که به‌عنوان مشاغل فرعی در جامعه به‌حساب می‌آیند جلب می‌شود؛ بدین معنا که برخی از مشاغل در جامعه با توجه به اینکه مشاغل غیرضروری (مانند بازیگری، مربی‌گری و ...) به‌حساب می‌آیند و تأثیر آنچنانی در پیشرفت و توسعه کشور ندارند، از منظر اقتصادی و اجتماعی در جایگاهی قرار گرفته‌اند که درآمد آن‌ها قابل قیاس با مشاغلی که به‌عنوان پایه‌های توسعه و تولید کشور هست (مانند دبیری، کشاورزی و ...) نیستند. این مسئله باعث می‌شود که از میزان اهمیت مشاغل مهم و اصلی کاسته و بر اهمیت مشاغل فرعی و غیرضروری افزوده شود. این نوع تغییر جایگاه، باعث سرخوردگی استعدادهای کشور در توجه به مشاغل اصلی توسعه می‌شود و کم‌کم جایگاه اجتماعی مشاغل اصلی در جامعه کاسته شده و مرجعیت آن‌ها در هدایت افکار عمومی و رشد و توسعه کشور کاهش می‌یابد؛ به‌طور مثال اگر دقت کرده باشید می‌توانید ببینید که امروز سخنان هنرپیشه‌ها و اتفاقات حاشیه‌ای آن‌ها افکار عمومی را بیشتر از سخنان اندیشمندان و مسائل اصلی کشور به خود جلب کرده است.

۳- تحلیل ارتباطی- رسانه‌ای

در تحلیل ماجرای تصادف خودروی پورشه، یکی دیگر از محورهای حائز اهمیت مسئله، بازتاب و نحوه پوشش رسانه‌ای این مقوله در فضای ارتباطی و رسانه‌ای جامعه است. در توجه به محور یاد شده و ارائه تحلیل ارتباطی-رسانه‌ای از موضوع مورد نظر، باید مؤلفه‌ها و عوامل مختلف را در کنار یکدیگر در نظر گرفت. بنابراین در ادامه در ذیل این محور کلان به چند عنوان فرعی اشاره خواهیم کرد که این عناوین شامل بررسی اجمالی ماهیت رسانه و موضوعات رسانه‌ای، بررسی ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه در ارتباط با موضوعاتی مانند موضوع تصادف خودروی پورشه و در نهایت توجه به همه عواملی خواهیم داشت که به‌نوعی باعث شده‌اند تا این موضوع قابلیت پرداخته شدن به‌عنوان یک سوژه رسانه‌ای جذاب را داشته باشد.

۳-۱- ماهیت رسانه و موضوعات رسانه‌ای

از مشهورترین عبارات در نظریه‌های ارتباطات که در برخی از کتاب‌های ارتباطات جمعی بدان اشاره می‌شود، این نکته است که «رسانه‌ها به مخاطب نمی‌گویند چگونه فکر کند؛ بلکه رسانه‌ها به مخاطب می‌گویند درباره چه چیزی فکر کند». با توجه به این نکته رسانه‌ها در ارتباط با یک موضوع بیش و پیش از آنکه در صدد جهت دادن به افکار عمومی در خصوص آن موضوع باشند، به دنبال طرح بحث رسانه‌ای و به عبارت بهتر تعیین اینکه اکنون کدام موضوع

اهمیت بیشتری برای دیده شدن و طرح شدن در فضای عمومی دارد، هستند. در واقع تقریباً در اکثر موارد این رسانه‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند کدام سوژه را و چگونه منعکس کنند. در ادامه این نکته را به‌طور مفصل‌تر توضیح خواهیم داد.

۳-۲- ویژگی‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی

اگر شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر ارتباطات چهره به چهره و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر ارتباطات راه دور (اعم از پست، تلگراف و تلفن) را شبکه‌های اجتماعی نسل اول و دوم بدانیم، شبکه‌های اجتماعی مجازی در واقع آخرین نسل و جدیدترین نسل شبکه‌های اجتماعی هستند. در نتیجه بستر مجازی این نسل از شبکه‌ها ویژگی‌ها و کارکردهای خاصی را برای آن به وجود خواهد آورد. از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که درباره شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یک دسته خاص از رسانه‌ها می‌توان به آن اشاره کرد، ویژگی مهم «تعاملی و مشارکتی بودن» شبکه‌های اجتماعی است. با توجه به این ویژگی مخاطبان این شبکه‌ها به‌طور همزمان هم مصرف‌کننده و مخاطب آن هستند و هم تولیدکننده و به اشتراک گذارنده محتوا. بنابراین تولید و مصرف پیام در این شبکه‌ها، حاصل برآیندی از مشارکت‌ها و تعامل مخاطبان مختلف است.

درباره شبکه‌های اجتماعی ویژگی دیگری که وجود دارد و تا حدود زیادی از ویژگی قبل یعنی مشارکتی و تعاملی بودن آن‌ها ناشی می‌شود، این نکته است که به خلاف بسیاری از رسانه‌های موجود، ارتباطات در این شبکه‌ها تا حد بسیار زیادی «غیررسمی» است.

رسانه‌های جمعی کارکردهای مختلفی دارند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از اطلاع‌رسانی، سرگرمی، نظارت بر محیط و بسیج اجتماعی. با توجه به کارکردهایی که به آن‌ها اشاره کردیم، شبکه‌های اجتماعی نیز چنین کارکردهایی را دارند اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در حوزه کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی

به نظر می‌رسد دو کارکرد اطلاع‌رسانی و سرگرمی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. به‌طوری‌که در کارکرد اطلاع‌رسانی دو موضوع یعنی اطلاع‌رسانی درباره رویدادهای جامعه و دیگر فهم روابط قدرت و نظرات و رویکردهای گروه‌های اصلی جامعه درباره یک موضوع یا رویداد اجتماعی-سیاسی در شبکه‌های اجتماعی مهم و برجسته‌تر هستند. به‌طوری‌که عمده مطالبی که در این فضا منتشر می‌شوند دارای محتوا و مضامین سرگرم‌کننده و یا ارزش خبری و اطلاع‌رسانی هستند. بنابراین در ادامه بحث به بررسی ویژگی و دلایلی می‌پردازیم که موجب اهمیت یافتن مسئله تصادف پورشه برای طرح شدن در رسانه‌ها و به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی شده است.

۳-۳- چرایی اهمیت رسانه‌ای تصادف پورشه و پوشش آن در شبکه‌های اجتماعی مجازی

آنچه مشخصاً درباره این ماجرا می‌توان گفت این نکته است که تصادف خودروی پورشه در خیابان شریعتی با توجه به این ویژگی‌ها حائز اهمیت است که اولاً و مهم‌تر از همه خودروی موردنظر یک خودروی با قیمت بسیار بالاست، ثانیاً سرنشین خودرو یک دختر و پسر جوان هستند و ثالثاً پسر جوانی که او نیز در این تصادف کشته شده است، منتسب به آیت‌الله ربانی شیرازی است. در نتیجه در صورتی که هر یک از مؤلفه‌های مزبور از واقعه تصادف خودروی پورشه گرفته شود، در این صورت این ماجرا از ارزش رسانه‌ای اندکی برای پوشش دادن برخوردار خواهد بود.

در صورتی که فرض کنیم تصادف مزبور، تصادف یک خودروی با قیمت پایین چندمیلیونی مانند پراید و پژو می‌بود یا سرنشین این خودرو به‌جای دختر و پسر جوان، تنها پسر می‌بود و در نهایت اینکه در میان سرنشینان خودرو فرد منتسب به شخصیت‌های مشهور وجود نداشت، قطعاً پوشش رسانه‌ای این واقعه به شدتی که در شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد توجه قرار گرفت، اتفاق نمی‌افتاد. البته این نکته نیز شایان ذکر است که شنیده‌های مربوط به مصرف مواد مخدر صنعتی توسط سرنشینان خودرو (که بنابر

اقوال موجود در رسانه‌ها ماده شیشه بوده است) نیز در شدت یافتن موضوع اثرگذار بوده است.

پس از وقوع تصادف و انتشار خبر تصادف، اولین مرحله از سه محور قبلی اتفاق افتاد و با استفاده از کارکرد اطلاع‌رسانی در رسانه، پوشش رسانه‌ای اخبار مربوط به این تصادف به‌عنوان یک موضوع رسانه‌ای که باید برای مخاطبان رسانه برجسته شده و برای آن‌ها مهم جلوه داده شود، انجام شد. بنابراین حجم زیادی از نظرات و بحث‌ها در ذیل صفحه شخصی دختر راننده پورشه که حاوی برخی از تصاویر شخصی و خارج از عرف وی مانند استفاده از لباس‌های با مدل و برند غربی و آرایش نامتعارف و بدون رعایت حدود عرفی و شرعی بود، درج شد. به‌طوری‌که بیش از ۱۸۰۰۰ نظر و محاوره پیرامون موضوع در صفحه شبکه اجتماعی وی به ثبت رسید. در گام بعدی در اثر سرایت پی‌درپی موضوع در رسانه‌های متنوع و در میان مخاطبان مختلف و نشر و بازنشر چندین‌باره جزئیات و شرح ماجرای تصادف پورشه در شبکه‌های اجتماعی، موضوع پهنه و گستره وسیع‌تری را به خود گرفت؛ که در این قسمت مباحث مختلفی مانند انتقاد به شکاف طبقاتی، انتقاد به زیر سؤال رفتن امنیت جانی مردم در اثر ترددهای نابهنجار خودروهای با قیمت بالا در سطح شهر و انتقاد به رویکردهای برخی از شخصیت‌های سیاسی و فرزندان و منتسبان آن‌ها طرح شد. به‌گونه‌ای که نگاهی مختصر به پیام‌ها و نظرات درج شده در صفحه شخصی دختر پورشه سوار نشان می‌دهد که عده قابل‌توجهی از کاربران این شبکه اجتماعی به سبب انتقاد شدید و ناراحتی خود از اقدام او، جملات و نظرات تندی را اظهار کرده‌اند.

تنها در یک فقره، پس از مراجعه پرشمار به صفحه اینستاگرام دختر راننده پورشه و درج نظرات تند نسبت به حادثه به وجود آمده، پس از چند روز صفحه شخصی وی در این شبکه اجتماعی مسدود و غیرقابل دسترس شد. همان‌طور که اشاره شد در برخی از رسانه‌ها گفته شد که پس از به وقوع پیوستن تصادف مزبور ۱۸۰۰۰ نظر روانه این صفحه شده بود.

صفحه فیس‌بوک شخصی وی نیز به حالت غیرفعال (دی‌اکتیو) درآمده است اما بررسی نمونه‌هایی از نظرات تند کاربران شبکه‌های اجتماعی در ذیل اخبار مربوط به این حادثه و صفحه فیس‌بوکی که منتسب به دختر راننده پورشه است، بیان‌کننده بخشی از دیدگاه‌های بسیار منفی تعداد قابل‌توجهی از مردم است؛ البته شایان‌ذکر است که بعضی از کاربران نیز در نظرات خود، خواستار رعایت حرمت میت بوده‌اند.

این نظرات در واکنش به بخشی از پروفایل فرد دختر متوفی در این حادثه است، البته برخی از نظرات درج شده در این صفحه به دلیل رکیک بودن از بررسی این گزارش حذف شدند. برخی از این نظرات در ادامه به‌عنوان نمونه مورد اشاره قرار گرفته است:

- *تو اون دنیا هم اینجوری ناز و ادا میای [؟]*
- *روحش شاد نیست که ببینه بعد مرگش چطور شد.*
- *کاری به ثروت و فقرش ندارم - تمام عکسهاش پر بود از دهن کجی به مردم نجیب این جامعه- خدا کنه برای ما عبرت بشه.*
- *پول فقرا؛ امثال ما حناق میشه میره تو گلوی ثروتمندا.*
- *آدم وقتی روسپیگری میکنه باید به مرگم فک کنه. به جهنم که مرده. حالا واس اینم عزا بگیریم درد خودمون بس نیس.*
- *فکرتو درگیر نکن. شخصیت مهمی نبوده. فقط یه مدل خیابونی بوده.*
- *مرگ.......... کجاست آن همه عشوه ها؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟*
- *تا باشه از این مردن ها.*
- *متأسفانه از دهات بلند میشن میان شهرهای بزرگ، برای تظاهر و سرپوش گذاشتن روی کمبودهاشون. یک ماشین که متفاوت باشه با بقیه هم میگیرن که بتونن توجه از مردم بگیرن بخاطر حس حقارتشون. فرهنگ شهرنشینی هم بلد نیستند. آخرش اینطوری میشه! بنده خدا اگه تو همون خورجستان بود یک بافنده قالی خوب بود یا یک دامدار نمونه ولی ببینید عاقبتشو...*

- *آدمای بافرهنگی که خیلی ناراحتید تا باشه از این مرگا! یادتون رفته همین چندسال گذشته تو میرداماد بعد از پل یکی از همین راننده ها اتفاقاً فکر کنم تو همین ساعت ها زد به یه مأمور بیچاره شهرداری و بیش از ۲۰ متر پرتش کرد و کشت و... همیشه شعبون یه بار هم رمضون. خدا شاهده اون اوایل که ماکسیما اومده بود، جلوی پارک ملت توی اون ترافیک یکی از همون بچه پولدارها با اینکه می دید در باند روبه رو یه موتور سوار بدبخت داره سرپایینی میاد بدون توجه دستی کشید. موتورسوار به زور خودش رو نجات داد؛ نه معذرت خواهی؛ نه .... به خدا انگارنه انگار یه آدم داشت با موتور می اومد. خیلی برام عجیب بود. ده بارهم تلوزیون نشون می ده با پررویی جواب پلیس رو میدن که پولش رو میدیم. پول بدبخت کردن چند خونواده و یتیم کردن چند تا بچه چقدر میشه؟. میگن چندتا چیز زود فراموش میشن یکی از اونا مرگ آدم های فقیر و زحمت کشه. اون کارگری که تو پله برقی اصفهان برای کسب روزی اونجوری می میره. چیه این خانم و آقا پولدار و پورشه سوارن حیفه مردن. تو مملکتی که ۸۰٪ آدماش زیر خط فقرند این ماشینا و ثروت ها از کجا میاد؟!!!. ان شالله راست باشه که میگن «از مکافات عمل غافل مشو...* [این نظر در واکنش به نظر کسانی بود که کاربران را از سرزنش کردن دو متوفی منع می کردند]
- *کسی که با ویراژ دادن تو خیابون جون بقیه انسان ها رو به خطر میندازه، حتی خاکم آلوده میکنه. متأسفانه ثروت مملکت دست لمپن ترین آدما افتاد.*
- *ما که سه تا کنکور دادیم اصن نمیدونم قیمت پورشه چنتا صفر داره!!!۱۲ ضربدر ۱۲ چند میشه پریوش؟ نه بگو صدات نمیرسه!!! بلندتر بگو، به هرحال خدا بیامرزت*
- *اگه یه آدم بدبخت زیر ماشینش له می کرد، هیچ احدی صداش درنمیومد. متأسفم برای این ملت بیکار همیشه درصحنه.* [در واکنش به نظر برخی کاربران به رعایت اخلاق درباره متوفی]

- *دیگه دختر ۲۵ ساله ای که پورشه سواره چرا حقش نباشه؟ معلومه که تو زندگیش هیچ سختی نکشیده. باید تا ۷۰ سالگی هم راحت و مرفه زندگی کنه و حق مردمو بخورن؟ خیلیا از صب تا شب جون میکنن که شبو گشنه نخوابن. که دخترشون تو دانشگاه جلوی همکلاسی اش بخاطر کفش کهنش خجالت نکشه. که پسر مدرسه ایشون مجبور نشه خودکار همکلاسیشو بدزده. تو چه می فهمی از خانواده ای که ماهی ۱ بار هم نمیتونه گوشت و میوه بخره. تو چه می فهمی از خانواده ای که پول شیر خشک نداره بچه ۶ ماهه رو با آب قند خواب میکنه که از گشنگی زجه نزنه. حتماً پیش خودت فک می کنی پدر این خانواده از بیعرضگیشه که نمیتونه واسه دخترش پورشه بخره. آره؟ نه از این خبرام نیس. کم نیستن کسایی که دماغشونو نمیتونن بکشن بالا و میلیاردی درآمد دارن. عرضه پول نمیاره؛ بلکه جایگاه و روابط سرنوشتا رو تعیین میکنه. حداقل اینجا که اینجوریه. پس خیلیا حقشونه یه خورده هم داغ ببینن که یه چیزایی از زندگی بفهمن.*
- *متاسفانه از عکس هایی که انداخته با اون وضع افتضاح تو خیابون و فقط خدا میدونه که چند تا جوون رو به گناه انداخته، معلومه که به هیچ تقید اخلاقی پایبند نبوده و البته امثال این دختر خانم و آقاپسر تو جامعه ما کم نیستند. و صد البته که حاصل لقمه حرومه که پدر و مادر از هر راهی که فکر می کنند درسته و فقط رفاه خونوادشون براشون مهمه و لا غیر، کسب می کنند و سر سفره می برند. این قربانیان در واقع قربانی بی مبالاتی پدر و مادرشون شدند که هیچ وقت نخواستند فرزندانشون رو کنترل کنند که کجا می رن و با کی میرن. ولی به هر حال امیدوارم خدا از سر تقصیراتش بگذره.*

با نگاهی به نمونه نظرات متوجه می‌شویم که این نظرات به‌طورکلی در چند محور کلی قابل دسته‌بندی هستند:

۱. اعتراض به وضعیت پوشش و حجاب این فرد و سایر ناهنجاری‌های شرعی و عرفی وی؛
۲. اعتراض به شکاف طبقاتی زیاد در جامعه و نبود عدالت اجتماعی؛
۳. اعتراض به خدشه‌دار شدن امنیت روانی-اجتماعی و جانی مردم به سبب تردد چنین خودروهایی با راننده‌هایی متخلف؛
۴. اعتراض به روحیات قشر مرفه جامعه و نوع زندگی تجملاتی آن‌ها که از دید این کاربران به گونه‌های مختلف موجب تضییع حقوق دیگر اقشار شده است.

به‌طور خلاصه آنچه در فضای رسانه‌ای درباره ماجرای تصادف خودروی پورشه اتفاق افتاد، کاملاً متناسب با ویژگی‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بود؛ یعنی از آنجایی که شبکه‌های اجتماعی مجازی دارای ماهیتی تعاملی، غیررسمی، رادیکال و انتقادی هستند، وقایعی مانند تصادف خودروی پورشه که در آن انتقادهای اقتصادی و اجتماعی مربوط به شکاف طبقاتی و زوال امنیت روانی مردم و انتقادهای سیاسی مانند زندگی اشرافی برخی از منتسبان به شخصیت‌های دارای سابقه انقلابی به‌طور همزمان وجود دارند و در فضای واقعی نیز دارای یک پیشینه و سابقه نسبتاً طولانی هستند، به‌صورت برجسته‌ای مورد توجه کاربران و فضای این شبکه‌ها قرار می‌گیرد. بنابراین در فضای ارتباطی جامعه ایرانی که تا حدودی مبتنی بر فرهنگ شفاهی است، موضوعات مشابه موضوع مورد نظر، به همراه شایعات و جزئیات مخلوط به تحریفات جای گسترش و رواج بسیار زیادی دارند و این مسئله دور از ذهن و امری غیرطبیعی نیست؛ در نتیجه برای جهت‌دهی و راهبری رسانه‌ای این قبیل موضوعات، نیازمند ارائه یک چارچوب و منطق رسانه‌ای دقیق با در نظر گرفتن یک سبد رسانه‌ای کامل و متنوع هستیم.

۴-پیشنهادها و راهکارها

با توجه به اینکه اقشاری از جامعه به سبب برخورداری از تمکن مالی بالا خواهان بهره‌مندی از امکانات، تفریحات و موقعیت‌های متناسب با این تمکن مالی هستند و از سوی دیگر در برخی از موارد این مطالبه اقشار مزبور با منافع و رفاه سایر افراد جامعه و مصالح اجتماعی در تضاد و تعارض واقع می‌شود، یکی از راهبردهای کلی برای ایجاد سازگاری میان این دو موضوع آن است که به‌واسطه قوانین و مقرراتی که توسط نهادهای مربوطه وضع می‌شود، این امکان ایجاد شود که افراد متمکن از نظر مالی، متناسب با وضعیت اقتصادی خود در داخل کشور بتوانند استفاده لازم و کافی از امکانات خود را در چارچوب شرع و قانون و با اعمال برخی محدودیت‌های زمانی و مکانی داشته باشند.

- وضع مقرراتی مبنی بر اجازه تردد برخی از خودروهای وارداتی تنها در محدوده‌های مشخصی از شهر و در زمان‌های معینی از ساعات روز و هفته.
- وضع مالیات و عوارض ویژه برای تردد و استفاده از خودروهای وارداتی گرانقیمت در سطح شهر و اماکن عمومی.
- افزایش مجازات‌ها برای تخلفات حادثه‌ساز به‌ویژه مجازات‌های غیرنقدی برای این دسته از خودروها مانند پانچ کردن گواهینامه رانندگی و یا توقیف موقت و دائمی خودرو.

- اعمال نظارت بیشتر بر روند اجرای قوانین و دستورالعمل‌های موجود در خصوص تردد این نوع خودروها، مانند طرح‌ها و دستورالعمل‌هایی که راهنمایی رانندگی و نیروی انتظامی درباره آلودگی صوتی اجرا می‌کند. اِعمال این دسته از قوانین راهنمایی رانندگی و قوانین انتظامی، می‌تواند منجر به کاهش ترددهای غیرضروری و توأم با مزاحمت این دسته از افراد شده و سبب ایجاد امنیت روانی مناسب در جامعه شود.

برای حل مسئله‌هایی چون شکاف طبقاتی در جامعه و تجمل‌گرایی و همچنین آثار منفی ناشی از بازتاب رسانه‌ای این مسائل، رویکرد حداکثری رسانه‌های جمهوری اسلامی باید بر مبنای تقبیح غیرمستقیم تجمل‌گرایی و در راستای فرهنگ‌سازی برای سبک زندگی دور از اشرافی‌گری باشد.

